



## x پابلو د سارازات Pablo de Sarasate

نقاش رویک کریکوریان

ویرتوئوز، ویلون‌نویس و کمپوزیتور معروف سارازات در ۱۰ مارس ۱۸۴۴ در شهر پامپلون Pampelune اسپانیا متولد گردید از بدو کودکی به موسیقی ذوق فراوانی داشت در ده سالگی بقدری درنواختن ویلن ماهر بود که او را بدربار بردند تا درحضور ملکه ایزابل ویلن بنوازد در آنجا سارازات فوق‌العاده مورد پسند واقع گردید و باخذ یک ویلن استرادیواریوس مختار کشت از این پس نام این نابغه خرد سال در تمام اسپانیا مشهور شد. از سال ۱۸۵۶ تا ۱۸۵۹ برای تکمیل تحصیلات موسیقی بیاریس مسافرت کرد و در هنرستان پاریس تحت توجه استاد بزرگ دلفین آلار Delphin Alard مشغول آموختن موسیقی بود و در سال ۱۸۵۷ در پانزده سالگی به اخذ اولین جایزه کلاس ویلون موفق شد و از سال ۱۸۵۹ به سیاحت و کنسرت دادن در شهرهای مختلف شروع کرد و بزودی در ردیف اولین ویرتوئوزها قرار گرفت در تمام اروپا و آمریکا و قسمتی از آسیا (هندوستان) سیاحت کرد و در شهرهای مهم آنها کنسرت داد و در همه کنسرتها موفقیت کامل بدست آورد. تمام عمر خود را صرف کنسرت و نوشتن تصنیفات برای ویلون کرد و در سال ۱۸۹۸ در شهر بیاریتس Biarritz در

۵۴ سالگی وفات یافت .

سارازات ویلونیسست و ویرتوئز عالی‌مقام و کاملی بود. آهنگها را با صدای خیلی صاف و اتوناسیون Intonation کامل مینواخت. سونوریتة Sonorité او فوق‌العاده صاف و دست چپ او تعجب آور بود. تکنیک خیلی خوبی داشت. با انگشتان خود سیمها را خیلی سبک و کم فشار میداد و مانند سیوری Sivori و یوآخیم Joachim با ویراتو Vibrato-continue دائمی مخالف بود. کارل فلش Carl Flesch سارازات را « پدر تکنیک جدید ویلون » میداند.

تئوری او راجع به آرشه خیلی جالب توجه است. ذیلاً بعضی از آنها را ذکر میکنیم: « خیلی آسان است اثبات اینکه با فشار کمی به آرشه ممکن است قویترین صدا را تولید کرد و آن فشار را باید بوسیله دست و انگشتها وارد آورد و صرف قوه بازویی فایده است » بهمین جهت مایل بود که ویلن را خیلی بلند نگهدارد چه در اینصورت آرشه بخودی خود به خرك نزدیک شده و « با فشار کمی صدائی قوی تولید میشود » سارازات خود نیز بهمین طرز مینواخت و آرشه را کمی دورتر از خرك میکشید و با اندکی فشار صدائی صاف و قشنگ در میآورد و همیشه آن صدا بیدک حالت وبی تغییر و گاهی خشک بود. این روش مخصوص او بود و شخصیت او را ظاهر میساخت ولی این تئوری سارازات عمومیت نیافت و لوسین کاپه Lucien Capet و کارل فلش و بعضی استادان دیگر تئوری جدیدی بر خلاف سارازات وضع کردند که خیلی عملی تر بود و ایشان ثابت کردند که آرشه را وقتی نزدیک خرك میکشیم صدا قوی و وقتی که نزدیک touche میکشیم صدا ضعیف است و بعلاوه وقتی که آرشه بتمام پهنا یا قسمتی از آن در روی سیم قرار میگیرد شدت و ضعف صدا فرق میکند پس جای آرشه و امتداد موها در روی ویلن معین نیست و باید تغییرات آرشه را در تغییر اثرات موسیقی بکار برد (قوت، ضعف صدا و غیره) علاوه بر این سارازات میگوید « آرشه را باید فقط با دست و انگشتان فشار داد و صرف قوه باز و بیفائده است » این تئوری او هم از طرف بسیاری از پرفسورها قبول نشد چون صدا در قسمتهای مختلف آرشه بیک شدت تمییز شد و

برای اینکه شدت آن در همه جا یکسان باشد بکار بردن قوه باز و لازم است. مثلاً ژاک تیبو و بولونیس مشهور فرانسوی میگوید « هر قدر آرشه به انتها نزدیک میشود باید فشار انگشتها را در روی آن زیاد کرد و برعکس هر قدر پاشنه آن نزدیک میشود باید از فشار انگشتها کاست» تیبو برای این منظور قوه بازو را بوسیله انگشتان به آرشه وارد میآورد و این تئوری های جدید امروزه معمول اند.

چنانکه ذکر شد تنقیدهایی که استادان موسیقی به تئوری سازازات کرده اند از مقام ویرتوئزی او نمیکاهد چون سازازات خودش به گفته های خود عمل کرده و صدائی خیلی صاف و تمیز از ویلن خارج میکرد.

برای اینکه مقام ویرتوئزی سازازات را ثابت کنیم اسم قطعائی را که استادان بزرگ موسیقی بسازازات تقدیم کرده اند ذکر میکنیم: ادوار لالو Edouard Lalo که از دوستان نزدیک سازازات بود اولین کنسرت خود و سیمفونی اسپانیولی Symphonie Espagnole قشنگ خود را؛ ماکس بروخ Max-Bruch کنسرت دوم خود و فانتزی اکس را و بهترین نماینده دبستان موسیقی جدید فرانسه، سن سانس Saint-Saëns کنسرت سوم خود و قشنگترین Introduction et Rondo. Capriccioso را بسازازات تقدیم کرده اند.

ارزش و مقام سازازات فقط در ویرتوئزی او نیست بلکه علاوه بر آن کمپوزیتوری بزرگ بود. قسمتی از تصنیفات او که به «رقصهای اسپانیائی» معروف اند و همچنین سیکونروایزن Sigeunerweisen که از آثار او میباشد تماماً از آهنگهای نغمه زبیا هستند و همیشه زینت افزای کنسرت ها میباشند. دبار Debaar میگوید: « مقام ویرتوئزی سازازات از مقام کمپوزیتوری او بالاتر میباشد. چون تصنیفات او با روحیه شرقیها بیشتر میسازد فوق العاده مورد پسند آنها است (چون در اثر حمله اعراب با اسپانیا موسیقی آن سرزمین با موسیقی شرقی آمیزش یافته و این نکته در موسیقی اسپانیا مشهور است) در خاتمه مناسب است که بعضی از تصایح او را که به ویلونیسنت ها نموده ذکر کنیم.

۱- همیشه سعی کنید که صدای خیلی صاف و تمیز و مساوی از ویلون خارج کنید .

۲- انتقال از یوزیسیون اول و سوم آسانتر از برگشتن به یوزیسیون اول از سوم است . چه در اولی دست ما در روی ویلن به طرف معینی میلغزد ولی این در دومی ممکن نیست بلکه باید آنوقت برگشتن دست را بخوبی در نظر داشت بدینطریق که شصت را بسمت پهلو در امتداد دسته ویلن بخوابانیم زیرا در اینحال میتوانیم انگشتها را باسانی عقب کشیده و باز بجای طبیعی برگردانیم .

### پایان

